

صنعت بیمه ثبات مالی سیستماتیک و حسابداری ارزش متعارف

محمد علی فتوره بنایی*
چرد هاسلر^۱

صنعت بیمه برای ثبات مالی سیستماتیک اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ در نتیجه، نظارت و افشای ریسکهای مالی شرکت‌های بیمه باید تقویت شود. اهمیت سیستمی رو به افزایش بیمه هم نشان می‌دهد که لازم است در بحث حسابداری ارزش متعارف، در پی یک دیدگاه میانه و معتدل بود تا از این طریق عدم ثبات بالقوهای که در نوسانات‌های مالی وجود دارد، کاهش یابد.

۱- مقدمه

شرکت‌های بیمه و بیمه‌گران اتکایی، گروه مهم و در حال رشدی از اعضای بازار مالی هستند. آنها سرمایه‌گذاران و واسطه‌هایی مهم در بخش وسیعی از بازارهای مالی در سرتاسر جهان هستند که با خلاقیت و نوآوری روش‌های جدید بیمه‌گری را در بازار سرمایه ایجاد می‌کنند، برای ریسک‌های مالی، پوشش بیمه‌ای فراهم می‌کنند. ریسک‌های بیمه‌ای خود را در بازارها واسطه‌گری می‌کنند؛ و به تدریج ابزار جدیدی ایجاد می‌کنند که در از بین بردن فاصله بین بانکداری و خدمات بیمه‌ای مؤثر است. مرز بین بیمه و سایر نهادهای مالی به طور چشمگیر در حال از بین رفتن است. این واقعیت خصوصاً در بازارهای مشتقه (فرعی) OTC، بر اهمیت بسیار زیاد صنعت بیمه در ثبات مالی

سیستماتیک دلالت دارد. در نتیجه تمرکز نظارتی بیشتر بر ریسک‌های مالی (در مقابل ریسک‌های پذیره نویسی)^۲ در حفظ ثبات مالی بسیار حیاتی است. همچنین افشا و شفافیت بیشتر ریسک‌های مالی و اینکه این ریسک‌ها چگونه اداره و کنترل میشوند، برای ناظران و اعضای بازار بسیار با اهمیت شده است. با توجه به اهمیت اصولی صنعت بیمه، بحث جاری در زمینه مزایا و مشکلات حسابداری متعارف، اهمیت خاصی پیدا

می‌کند. در خصوص مزایا، یک جنبه خاص اهمیت و توجه بیشتری می‌طلبد: اگر حسابداری ارزش متعارف به خوبی انجام شود، توزیع مجدد ریسک‌ها در طول زمان واضح‌تر و قطعی‌تر می‌شود؛ ریسک‌هایی که بیمه‌گران تقریباً به عنوان یک خدمت جانبی و فرعی از کسب و کار اصلی (یکپارچه کردن ریسک‌ها) انجام می‌دهند و ممکن است باعث بهبود و قیمت‌گذاری آن ریسک‌ها شود. اجرای سخت‌گیر رویکرد ارزش متعارف در ابزارهای مالی و قراردادهای بیمه، مشکلات و زیان‌های جدی خواهد داشت. بنابراین، بهتر است این حوزه با یک دیدگاه معتدل بین حسابداری ارزش تاریخی و حسابداری ارزش جاری بررسی شود. در روش‌هایی که در پی آنها هستیم، اگرچه باید برخی مشکلات حسابداری ارزش متعارف عیان شود، اما در عین حال بیشتر مزایای آن خصوصاً شفافیت مطلوب و ثبات صورت‌حساب‌های مالی باید حفظ شود.

۲- نقش صنعت بیمه در ثبات مالی سیستماتیک

بطور سنتی، بانک‌های اولیه با ثبات مالی سیستماتیک مرتبط بوده‌اند. تبدیل سررسید^۳ که بانک‌ها انجام می‌دهند، علاوه بر بدهی‌های جاری و سرمایه‌گذاری در وام‌های تقریباً نقد و سایر دارایی‌ها آنها را در معرض فعالیت‌های بانکی^۴ بالقوه قرار می‌دهد. به علاوه، بانک‌ها نقشی اساسی در سیستم‌های پرداخت دارند. در مقابل صنعت بیمه بخشی نسبتاً پایدار و باثبات از سیستم مالی در نظر گرفته می‌شود. نبود تعهدات جاری بیمه‌گران، حداقل در مقایسه با بانکها، شرکت‌های بیمه را از فعالیت‌های بانکی متداول^۵ رها کرده است. بعید به نظر می‌رسد مشکلات مالی در صنعت بیمه سیستماتیک شوند؛ چرا که شرکت‌های بیمه به هنگام مشکلات مالی، به دلیل مسئولیت‌های نسبتاً بلندمدتشان، فقط با شوک‌های نقدینگی آرام روبه‌رو می‌شوند.

بنابراین، بعید به نظر می‌رسد بیمه‌گرانی که تحت فشار مالی بوده باشند، برای افزایش نقدینگی، نیازی به فروش سریع دارایی‌های خود در مقیاس‌های بزرگ داشته باشند.

اما تغییرات اخیر در صنعت بیمه، احتمال بالقوه ناکامی‌ها بیمه را در داشتن کاربردهای سیستماتیک افزایش داده است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۲). در سال‌های اخیر، ۲ مسئله تغییر کرده است: مرز تفکیک بین بانک‌ها و شرکت‌های بیمه محو شده است و بیمه‌گران فعالیت‌های خود را در بازارهای مالی تشدید و روابط متقابل چشمگیری با بانک‌ها ایجاد کرده‌اند.

بطور خاص، مطابقت و شباهت فعالیت‌های بانکی بیمه‌گران بیمه‌های زندگی و پیوستگی روبه‌افزایش بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، اصلی‌ترین تهدید بالقوه برای ثبات مالی به نظر می‌رسد.

بیمه‌گران بیمه‌های زندگی، فعالیت‌های خود را به شکلی مؤثر به فعالیت‌ها و خدمات بانکی و خدمات مدیریت دارایی‌ها توسعه داده‌اند. در نتیجه صنعت بیمه برای ثبات سیستماتیک بسیار مطرح

است. بنابراین، ناظران و قانونگذاران باید اثرات بالقوه بخش بیمه را بر ثبات مالی درک کنند.

از دیدگاه ثبات مالی فعالیت‌های شرکت‌های بیمه از ۳ نظر قابل بررسی است:

- صنعت بیمه به عنوان یک منبع اصلی سرمایه بلندمدت؛
- ادغام بانکداری و بیمه (بیمه و بانک)؛

■ نقش اساسی آنها در بازارهای سرمایه بین‌المللی، به خصوص بعنوان واسطه ریسک اعتباری و بازار صنعت بیمه (خصوصاً بیمه زندگی) منبع عمده سرمایه‌گذاری بلندمدت بوده است. بنابراین، این صنعت را می‌توان عنصری باثبات در نظر گرفت؛ زیرا مسئولیت‌ها و تعهدات بلندمدت خود را صرف سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت (عمدتاً اوراق قرضه و وامها) و تعداد تقریباً اندکی سرمایه‌گذاری سهام^۶ می‌کند.

اما در طول دهه ۱۹۹۰، سرمایه‌گذاری سهام^۸ توسط شرکت‌های بیمه زندگی و غیرزندگی فوق‌العاده افزایش پیدا کرد. چند سال اخیر حاکی از آن است که شاید بیمه‌گران بیمه‌های زندگی به دلیل قوانین نظارتی، مثل قانون حداقل سود ناخالص^۹ در دولت بریتانیا ملزم شده‌اند سهام شرکت‌ها^۹ را به بازارهای در حال افول بفروشند و این احتمال وجود دارد که در کاهش قیمت‌های سهام اثرات زیادی داشته باشند.

نیاز به صرفه‌جویی هزینه‌ها و اطمینان از توزیع کارآمدتر خدمات بیمه‌ای نقش زیادی در ادغام بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و حرکت آنها به سمت "بیمه-بانک" داشته است. ادغام بیشتر موجب می‌شود مشکلات صنعت بیمه در آینده راحت‌تر به سایر بخش‌های مالی سرایت کند؛ زیرا برای نهادهای مرتبط که بخشی از یک نهاد مالی بزرگ و پیچیده هستند، مشکلاتی به بار می‌آورد. ارتباط و اتصال بین بانکداری و بخشهای بیمه‌ای نباید قوی باشد در واقع؛ چنین پیوستگی‌هایی ممکن است کافی باشد تا خاصیت "همه‌گیری و سرایت" را بین بانکداری و بیمه، مخصوصاً در زمان فشارهای وسیع تر بازار، موجب شود.

در حال حاضر صنعت بیمه به یک واسطه مهم ریسک‌های مالی در بازارهای سرمایه بین‌المللی تبدیل شده است. شرکت‌های بیمه به عنوان نقش آفرینان با نفوذ بازارهای مالی، بیش از پیش در معاملاتی فعالیت میکنند که موقعیت‌های همانندی در برابر بانک‌ها، خصوصاً در بازارهای فرعی OTC و سایر خدمات پیچیده مالی به وجود می‌آورد. (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۲). شرکت‌های بزرگ بیمه و بیمه‌گران اتکایی، بر ریسک‌های اعتباری متمرکز و متعهد شده‌اند تا ریسک را متنوع کنند و بسط دهند و از این طریق به بازدهی بیشتری در مقایسه با کسب و کار پیشین خود دست یابند. بر اساس یک تحقیق که در آژانس ارزیابی^{۱۰} انجام گرفته، بخش بیمه بزرگترین فروشنده پوشش اعتباری بوده است. (خالص - ۲۸۳ بلیون دلار امریکا) (2003, Fitch) به استثنای متعهدین و ضامن‌های مالی،



صنعت بیمه پوششی معادل ۱۱۷/۳ بلیون دلار آمریکا بطور خالص فروخت، در حالیکه صنعت بانکداری فقط ۹۷ بلیون دلار آمریکا بطور خالص خرید. شرکت‌های بیمه زندگی، سرمایه‌گذاران مهمی در ابزار بودجه‌ای هستند؛ برای مثال، (تعهدات دیون وثیقه‌ای^{۱۱} (کمپته سیستم مالی جهانی ۲۰۰۳). بسیاری از فعالیت‌های مالی جدید، مثل نقل و انتقالات ریسک‌های اعتباری، تقریباً توسط آربیتراژهای منظم^{۱۲} صورت می‌گیرند که از طریق حکومت‌های قانونی برای بانک‌ها و بیمه‌گران (به خصوص قوانین کفایت سرمایه ایجاد انگیزه می‌کنند). شرکت‌های بیمه همچنین واسطه‌های اصلی پس‌اندازهای جزئی و متصدیان عمده به‌عنوان ابزارهای مالی هستند. بنابراین، خریدها و فروش‌های عمده‌ای که توسط آنها انجام می‌دهند، ممکن است ریسک و نوسانی در بازار ایجاد کند. در نتیجه توسعه صنعت بیمه، عواقب سیستماتیک و نظام‌مندی برای کل سیستم مالی ایجاد می‌کند.

فعالیت‌های مالی "جدید" بیمه‌گران ممکن است تخصیص ریسک را در بین بخش‌های مختلف سیستم مالی تغییر دهد؛ و از این رهگذر، نتایج سیستمی فعالیت‌های بیمه‌ای را دگرگون سازد.

از آنجا که شرکت‌های بیمه نقش حیاتی در بازارهای مشتقه اعتباری ایفا می‌کنند، فشار مالی در بخش بیمه می‌تواند تبعات و پیامدهای گسترده‌ای برای خریداران پوشش اعتباری در پی داشته باشد. اگر بعضی بیمه‌گران قادر به ایفای تعهدات خود نباشند، خریداران پوشش اعتباری در معرض خسارات پیش‌بینی نشده قرار خواهد گرفت. اگر چه اثرات ناشی از سرایت شکست‌های بیمه‌گران ممکن است به اندازه بانک‌ها خطرناک و مضر نباشد، اما آنها پتانسیل بالایی برای مختل کردن سیستم مالی دارند و ممکن است بر اقتصاد واقعی اثر منفی گذارند.

از آنجا که تخصیص ریسک بین بخش‌های مختلف سیستم مالی تغییر می‌کند، اثر شوک‌های مالی در حال دگرگونی است. با اینکه در گذشته بعید به نظر می‌رسید بانکداری و بیمه در یک زمان تحت چشم‌انداز ریسک آنها، که شامل سهامداری متقاطع بین نهادها، بانک‌ها و بیمه‌گران می‌شود ممکن است بیش از پیش تحت تأثیر شوک یکسان قرار گیرند، امروزه در پرتو همگرایی تحت تأثیر شوک‌های یکسان قرار می‌گیرند و این ممکن است انعطاف‌پذیری سیستم مالی را کاهش دهد.

یکی از پرسش‌های اساسی این است که آیا ریسک‌ها از جمله ریسک‌های اعتباری، بطور مؤثر و کارآ بین نهادهایی که اشتیاق و توانایی بیشتری برای تحمل ریسک دارند توزیع شده است یا نه. سوال اساسی دیگر این است که آیا بیمه‌گران آمادگی و

تجهیزات لازم را برای اداره ریسک‌های مالی جدیدی که تقبل می‌کنند، دارند بعضی ناظران می‌پرسند آیا مدیریت ریسک بیمه‌گران به اندازه مشارکت رو به توسعه آنها در بازارهای مالی حجم فعالیت‌های خارج از ترانزنامه آنها و انتقال ریسک‌های مالی از بانک‌ها به صنعت بیمه رشد و بهبود داشته است یا نه؟ در واقع بسیاری از فعالیت‌های انتقال ریسک اعتباری بین فعالیت‌هایی قرار می‌گیرند که به طور سنتی، تضمین کردن^{۱۳} و "سرمایه‌گذاری" نامیده می‌شوند و بنابراین رویکردهای منسجم‌تری به مدیریت ریسک نیاز دارند. چنانچه در گزارش اخیر در انجمن بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS) نیز بر آن تأکید شده است.

- این ارتباطات سیستمی، حداقل از دو جنبه کاربرد دارند:
- ۱- در نحوه اجرای قانون‌گذاری و نظارت بیمه،
- ۲- در نوع اطلاعات مالی که شرکت‌های بیمه باید افشا کنند.

بطور کلی در خصوص فعالیت‌ها و ریسک‌های مالی شرکت‌های بیمه و بیمه‌اتکالی کمتر از بانک‌های تجاری و سرمایه‌گذاری اطلاعات در دسترس است. دلیل این امر آن است که چهارچوب‌های قانون‌گذاری و نظارتی بیمه، بیشتر به حمایت از بیمه‌گذاران گرایش دارند و کمتر بر چگونگی اداره ریسک‌های مالی توسط شرکت‌های بیمه، متمرکز شده‌اند. الزامات سرمایه/قدرت پرداخت بدهی‌ها در بسیاری از حوزه‌ها تقریباً فقط ریسک‌های بیمه‌ای - از جنبه تعهدات ترانزنامه - را بازتاب می‌دهند نه ریسک‌های سرمایه‌گذاری را.

نظارت رسمی بر صنعت بیمه کمتر از بانک‌های تجاری، بر ریسک‌های بازار مالی متمرکز است.

بنابراین، هنگامی که ریسک‌های مالی اهمیت پیدا می‌کنند، نظارت بیمه‌ای باید بیشتر به سمت ارزیابی ریسک مالی متمرکز شود.

حوزه دوم بهبودها، افشا و شفاف‌سازی فعالیت‌های بازار مالی و ریسک شرکت‌های بیمه است؛ که در حال حاضر به نظر می‌رسد برای نقش جدید آنها در سیستم مالی کافی نباشد. بطور کلی، در مورد ریسک‌های سرمایه‌گذاری و ارائه‌های خارج از ترانزنامه اطلاعات نسبتاً اندکی در دست است. علاوه بر آن مشکل استانداردهای حسابداری - برای مثال، مفروضات آماری - که معمولاً پیچیده هستند و زیربنای ارزیابی‌ها و قیمت‌گذاری‌ها قرار می‌گیرند، ممکن است نظارت و سرپرستی را برای سرمایه‌گذاران خارجی پیچیده سازد. ناظران و مشارکت‌کنندگان در بازار برای مدیریت مالی خود، به اطلاعات بیشتری در مورد سیستم‌های کنترل ریسک داخلی بیمه‌گران نیاز دارند.

بنابراین، نقش مهم بیمه‌گران، به‌عنوان واسطه‌های ریسک مالی،



هنگامی که ریسک‌های مالی اهمیت پیدا می‌کنند، نظارت بیمه‌ای باید بیشتر به سمت ارزیابی ریسک مالی متمرکز شود.

باید پایه پای افزایش ریسک‌های مالی آنها افزایش یابد. هم در مورد موقعیت‌های داخل ترانزنامه و هم در مورد افشاهای خارج از ترانزنامه^۴، گام‌های مطلوبی برای افزایش شفافیت و افشا به خصوص در بخش‌های بیمه‌های اتکایی در حال برداشته شدن است.

۳- حسابداری ارزش متعارف (ارزش منصفانه)

نقش فراینده صنعت بیمه در ثبات مالی سیستماتیک، پیامدها و نتایجی در زمینه مناسب بودن حسابداری ارزش متعارف در بخش بیمه در پی داشته است. با توجه به اینکه فعالیت‌ها و عملیات بیمه ای، بسیار کلی و جهان شمول شده اند، نیاز به سیستم‌های گزارش دهی استاندارد شده آشکار است. یک رویکرد حسابداری باید طراحی شود، که در شرایط کنونی بازار، تصویری روشن از موقعیت‌های مالی به نهاد مورد نظر باید ارائه دهد، ضمن آنکه از تمرکز افراطی روی اثر نوسانات کوتاه مدت بر ترانزنامه اجتناب شود.

۱-۳- آیا برای یک دیدگاه میانه رو، جایی وجود دارد؟

گرچه علی‌الاصول معیارهای دقیق تر عدم تطابق دارایی/ بدهی^۵، شفافیت و کارایی بازار را افزایش می‌دهد، هنوز سوالاتی کاربردی در مورد بهترین رویکرد برای معیارها وجود دارد. این نگرانیها بر روی موارد متمرکز شده است:

اثری که سیستم ارزش متعارف بر تغییرپذیری سودهای گزارش شده و نیز بر امکان پذیری و تناسب ارزش متعارف به کار رفته در قراردادهای بیمه (مسئولیت‌های بیمه‌گذاران دارد)؛ نگرانی دیگر این است که اگر در حسابداری ارزش متعارف استفاده شود، سرمایه‌گذاران نگرش بلندمدت را از دست می‌دهند؛ و معامله در بازارهای خاص ممکن است به یک تمرکز فوق‌العاده کوتاه مدت منجر شود.

شاید جای هیچ بحثی نباشد که ارزش بازار دارایی‌ها و بدهی‌ها، در هر لحظه ممکن است لزوماً بهترین تخمین برای ارزش واقعی نباشد و بنابراین، صحت عملکرد بلندمدت یک شرکت را نشان ندهد؛ خصوصاً اگر قیمت‌های بازار، منعکس‌کننده نوسانات کوتاه مدت و موقتی باشد یا به نحوی تحریف شده باشد. این مطلب به ویژه در مورد دارایی‌های بلندمدت که ممکن است قیمتشان نوسان پذیر و متغیر باشد، صادق است. بنابراین ممکن است یک تصویر فوری از قیمت‌های بازار، موقعیت مالی یک شرکت بیمه را به درستی نشان ندهد.

مسئله اساسی این است که چگونه باید ارزشی بازار دارایی و بدهی‌هایی را تخمین زد که بازارهای ثانویه عمیق^۶ و روان^۷ ندارند یا در حالت بدتر، هیچ بازار ثانویه ای ندارند. اصولاً به نظر می‌رسد دیدگاه هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۸ هم همین است که اگر جریان نقد آتی یک ابزار قابل تخمین باشد، باید بتوان جریان نقد را با یک نرخ بهره مناسب تنزیل کرد تا به یک

ارزش متعارف رسید (دیکنسون، ۲۰۰۳).

در بحث حسابداری ارزش متعارف چنانچه شدیدترین اثرها روی حساب‌های بازارها را بر طرف می‌کنیم، ممکن است فرصت و مجالی برای یک دیدگاه معتدل جهت دستیابی به یک سطح مطلوب از شفافیت وجود داشته باشد. با این رویکرد همچنین می‌توان از عکس‌العمل‌های تضمین نشده بازار در برابر افشا یا الزامات نسنجیده نظارتی برای فروش دارایی‌ها در زمان افت بازارها جلوگیری کرد.

می‌توان به دنبال راه‌هایی بود که ارزش متعارف را ثابت تر کند و به این ترتیب به تحلیل‌گران کمک کرد حساسیت نتایج در برابر ارزش‌های بازار را تفسیر کنند؛ یا برای تنظیم وقفه‌ها جهت باقی ماندن در استانداردهای نظارتی به شکل مقتضی از دوره‌های تدریجی استفاده کرد.

یک "دیدگاه میانه رو" مفید ممکن است عناصر متعددی داشته باشد: ممکن است زمینه ای برای اطلاعات حسابداری تکمیلی باشد که میزان مناسبی از شفافیت ایجاد و در عین حال نوسان پذیری ظاهری نتایج را تعدیل کند.

اطلاعات اضافی ممکن است مانع از این شود که نتایج گمراه‌کننده حسابداری موجب عکس‌العمل‌های نسنجیده و تضمین نشده بازار شود و از الزامات نسنجیده نظارتی جهت فروش دارایی‌هایی که ممکن است موقعیت مالی بلندمدت بیمه‌گران را بدتر کند، اجتناب کند و ناسازگاری و مغایرت شرایط بازار مالی را به طور کلی تحت تأثیر قرار دهد.

در بخش دارایی می‌توان ارزیابی دارایی‌های مالی را مدنظر قرار داد؛ دارایی‌های مالی که در بازارهای ثانویه و براساس برخی قیمت‌های متوسط بازار در طول زمان مبادله می‌شوند (مثل ارزش شرکت، میانگین گرفتن در دوره‌های نسبتاً کوتاه مدت (مثلاً از یک هفته تا ۳ ماه)، عوامل مخل روزانه در قیمت دارایی‌ها را تا حد چشمگیری کاهش خواهد داد. از طرف دیگر میانگین گرفتن را می‌توان در دوره‌های زمانی بلندمدت تر (تایک سال) انجام داد و به این طریق، برخی از اثرات چرخه مالی را تعدیل کرد؛ هرچند که در شرایط عادی ممکن است بی‌توجهی به علامت‌ها و نشانه‌های قیمت‌های به روز بازار، در دوره‌های زمانی گسترده به سختی توجیه و تأیید کرد. با این میانگین می‌توان زمینه‌ی اطلاعاتی مکمل برای آخرین ارقام بازار برای بازار را فراهم کرد و یا حتی در محاسبات اصلی عواید از آن بهره گرفت.

در رویکردی دیگر، دارایی مالی را می‌توان در طبقه‌های مختلف مثل طبقه تجاری و طبقه سرمایه‌گذاری بلندمدت دسته‌بندی کرد؛ مانند طبقه بندی‌های هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری با عنوان آماده برای فروش^۹ و "در دسترس برای تجارت" و یا "در دسترس تا سررسید" در حالی که دارایی‌ها در طبقه تجاری براساس بازار قیمت‌گذاری ارزیابی می‌شوند، دارایی‌ها در طبقه



سرمایه گذاری بلندمدت را می توان بر اساس "هزینه استهلاکی"^{۱۹} ارزیابی کرد.

در بخش تعهدات، برای ارزیابی تعهدات بیمه، از مدل ها بسیار زیاد استفاده می شود. در این بخش، با توضیحات مکمل و اضافی می توان حساسیت مقادیر تعهدات را در قبال تغییرات اساسی در مقدار پارامترهای مدل قیمت گذاری توضیح داد.

این امر تصویر و ایده ای واضح از میزان عدم اطمینانی را که در ورای داده های مربوط به عواید و درآمدها وجود دارد، فراهم می کند؛ همچنین حساسیت آنها را در مقابل تعهدات بلندمدت نشان می دهد. گزارش های مالی (بر اساس تعهدات جایگزین) را می توان به عنوان بخشی مهم از توضیحات یک شرکت بیمه در مورد عواملی که در ورای آگهی های درآمدها و عواید آن هستند، در نظر گرفت. افشای حساسیت ارزش برخی دارایی ها و تعهدات اساسی در مقابل عوامل و فاکتورهای شالوده ای - مثل نرخ بهره - برای سرمایه گذاران بسیار مفید و آموزنده خواهد بود. شرکت های بیمه را میتوان ترغیب کرد تا هر وقت و هر جا امکان دارد، برآوردی از ارزش متعارف قراردادهای بیمه و دارایی های مالی شان را در یادداشت های مربوط به گزارش هایشان بگنجانند.

۲-۳- حسابداری ارزش متعارف و تقسیم ریسک در طول زمان

یک جنبه خاص که شاید در این مبحث آن چنان که باید به آن توجه نشده است، نقش مفاهیم حسابداری ارزش متعارف در شرکت های بیمه است که در آن، تقسیم ریسک در طول زمان، بر خلاف مجموعه استانداردهای ریسک (تقسیم ریسک متقاطع و مخلوط) است. در برابر تقسیم ریسک متقاطع بین بخش^{۲۰} که هسته اصلی کسب و کار در بیمه های زندگی و غیر زندگی است، از تقسیم ریسک زمان دار متقابل^{۲۱} اغلب وقتی استفاده می شود که نرخ های بازده پیشنهادی به بیمه گزاران در طول زمان، آسانتر و بی دردسرتراز نرخ بازگشت سرمایه بیمه گران است. در بسیاری از قراردادهای بیمه زندگی (خصوصاً قراردادهایی که بازده آنها تضمین شده است)، همچنان که بیمه گران ریسک های سرمایه گذاری زمان دار متقابل^{۲۲} را از بازارهای سرمایه جذب می کنند و بازگشت سرمایه بیمه گذاران در طول زمان هموار می شود.

ارزیابی دارایی ها و تعهداتی که به ارزش های بازار نزدیک تر هستند، تقسیم ریسک زمان دار متقابل^{۲۳} را که بیمه گران (بیمه های زندگی) فراهم کرده اند، را قطعی و مسلم تر می سازد.

از آنجا که نوسان بیشتر در عواید، از عدم تطابق بین دارایی و تعهدات ناشی می شود، این مسئله به طور عمده یک ریسک محض و واقعی^{۲۴} و نتیجه تقسیم ریسک توسط بیمه گر در طول زمان است. با حسابداری ارزش متعارف تقسیم ریسک زمان دار متقابل^{۲۵} را واضح تر و قطعی تر و هزینه های آن آشکارتر می شود. بنابراین، این شیوه تقسیم ریسک توسط بازار، بسیار مناسب تر ارزش گذاری می شود. در نهایت کارایی مالی را می توان ارتقا داد.

۴- نتیجه گیری

نقش صنعت بیمه در ثبات مالی سیستماتیک رو به افزایش است. فعالیت های بازار مالی بیمه گران (که شامل فعالیت های آنها در انتقال ریسک های اعتباری می شود)، نحوه تخصیص ریسک را در بین بخش های مختلف سیستم مالی تغییر می دهد. این نقش سیستماتیک جدید برای صنعت بیمه، نتایج مهمی برای نظارت بیمه و حفاظت از بازار دارد. ناظران باید با شدت بیشتری روی ریسک های سرمایه گذاری شرکت های بزرگ بیمه تمرکز کنند (برخلاف ریسک های پذیره نویسی یا تضمینی). افشای بیشتر ریسک های مالی، با ایجاد تصویری بهتر از توزیع ریسک های مالی در سرتاسر سیستم برای اعضای بازار و آژانس های مالی که مسئول محافظت و نظارت از بازار هستند، نظم و انتظام بازار را افزایش خواهد داد.

در پرتو نقش بسیار مهم صنعت بیمه در ثبات مالی، مفهوم دیدگاه میانه رو^{۲۶} در بحث حسابداری ارزش متعارف قابل بررسی است. این مطلب ممکن است روش های ارزیابی نوآورانه و با ثبات تر (مثل روش میانگین در طول زمان) و اطلاعات اضافی وسیع تر در خصوص حساسیت ارزیابیهای دارایی و تعهدات در مقابل فاکتورهای اصلی بازار را هم شامل شود. این اطلاعات به علاوه ارزیابی نسبتاً با ثبات، سرمایه گذاران را قادر می سازد تصویر بلندمدت بهتری از سلامت مالی یک شرکت بیمه و صنعت بیمه در کل داشته باشند. ■

منابع:

- COMMITTEE ON THE GLOBAL FINANCIAL SYSTEM, 2003, Credit Risk Transfer, January.
 DAS, U., DAVIES, N and PODPIERA, R., 2003, Insurance and Issues of Financial Soundness, IMF working paper n. WP/03/138. Washing, D.C.: International Monetary Fund.
 DICKINSON, G., 2003, The Search for an International Accounting Standard for Insurance: Report to the Accountancy Task Force of the Geneva Association, The Geneva Papers Risk and Insurance Vol. 28, NO.2, pp.151 - 175.
 FITCH, 2003, Global, Credit Derivatives: Risk Management or Risk? 10 March.
 INTERNATIONAL ASSOCIATION OF INSURANCE SUPERVISORS, 2003, IAIS Paper on Credit Risk Transfer between Insurance, Banking, and other Financial Sectors, March 2003.
 INTERNATIONAL MONETARY FUND, 2002a, Global Financial Stability Report, Washington, D.C.: International Monetary Fund, March.
 INTERNATIONAL MONETARY FUND, 2002b, Global Financial Stability Report, Washington, D.C.: International Monetary Fund, June.

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| 1: Gerd Housler | 12: regulatory arbitrage |
| 2: underwriting risks | 13: underwriting |
| 3: maturity transformation | 14: off - balance - sheet positions |
| 4: Bank runs | 15: asset / liability mismatches |
| 5: Contiguous Bank runs | 16: deep |
| 6: Bancassurance | 17: liquid |
| 7: equity investment | 18: IASB |
| 8: equity investment | 19: Amortized cost |
| 9: equities | 20: cross-sectional |
| 10: Fitch | 21: intertemporal |
| 11: collateralized obligations | 22: real risk+ |

*عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب